

الگوی کشورداری در سیاست‌نامه‌ها: مطالعه موردی تاریخ بیهقی

ابراهیم برزگر^۱ - سعید حسن‌زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۱

چکیده

در این نوشتار از یک سو به بحث کشورداری در مباحث مدرن توجه می‌شود و از سوی دیگر تلاش می‌شود تا پرسش‌ها و مسائل کاربردی آن شناسایی و به یکی از متون کلاسیک ایران یعنی تاریخ بیهقی عرضه شود. بنابراین تاریخ بیهقی را به عنوان یک اثر "سیاست‌نامه نویسی" برای اولین بار بازخوانی و مطرح می‌شود و با محوریت کارگزاران سیاسی این میراث ملی بررسی و خوانشی امروزی از آن ارائه می‌شود تا چارچوبی مقدماتی برای الگوی کشورداری از درون متن تاریخ بیهقی معطوف به نقش کارگزاران سیاسی در سه حوزه بینش، گرایش و کنش تدوین شود. روش پژوهش در این نوشتار، گرنند تئوری (داده بنیاد) است.

واژگان کلیدی: الگوی کشورداری، کشورداری، سیاست‌نامه‌ها، تاریخ بیهقی

طرح مسئله

بخشی از مباحث مدرن دانش سیاسی را می‌توان حول مبحث توسعه چارچوب‌بندی کرد که بویژه پس از پایان جنگ دوم جهانی ذهن دانشمندان علوم سیاسی را به خود مشغول کرده است. فارغ از بحث‌هایی که در باب محدودیت یا گستره نقش آفرینی دولت در فرآیند توسعه مطرح می‌شود، در بسیاری از موارد مفهوم کشورداری و چگونگی اداره واحد مستقل سیاسی و اجتماعی‌ای که با عنصر حاکمیت ملی به یکدیگر پیوند یافته و یک ملت _ دولت را تشکیل می‌دهند، به‌عنوان برداشت اصلی از مفهوم توسعه در نزد دانشمندان علوم سیاسی مطرح می‌شود. حال پرسش این است که کشورداری شایسته و مطلوب چه شاخصه‌ها، الزامات و مقتضیاتی دارد و اینکه نقش کارگزاران سیاسی یا دولتی در چارچوب آن چگونه است؟ این پرسش نه تنها ذهن سیاست‌ورزان و سیاست‌پژوهان امروز را درگیر خود کرده است بلکه ذهن بسیاری از کارگزاران و عالمان سیاسی را درازنای تاریخ به خود مشغول کرده است. بر کسی پوشیده نیست که کشور ما سرزمینی است کهن که سابقه استقرار دولت و حکومت مستقل سیاسی در آن به چند هزار سال می‌رسد و لاجرم در فراز و فرود و ظهور و سقوط حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی مختلف این پرسش بارها و بارها برای پیشینیان ما مطرح شده است و در عین حال پاسخ‌های عملی یا نظری‌ای نیز بدان داده شده است. پس عجیب نخواهد بود اگر در بسیاری از آثار ادبی، تاریخی و سیاسی گذشته، بتوان تلاش برای تبیین شاخصه‌ها و مقتضیات یک زمامداری و کشورداری مناسب و شایسته را با محوریت نقش کارگزاران سیاسی شناسایی کرد. این امر چه به صورت خلق پندنامه‌ها و اندرزنامه‌های سیاسی در دوران قبل از اسلام (تفضلی - آموزگار، ۱۳۷۶) (پیرنیا، ۱۳۹۲: ۲۸۱) (مشتاق مهر، ۱۳۸۵: ۸۵) و چه به صورت سیاست‌نامه‌ها و آثار ادبی - سیاسی یا ادبی _ تاریخی در دوران پس از اسلام، نمود یافته است (شرفی، ۱۳۹۰: ۹۵) (ترکمنی آذر، ۱۳۸۸: ۱۵). این امر بدین معنی است که ظرفیت کاملاً بومی و در عین حال فرآوری شده در حوزه کشورداری در دسترس ماست. حال پرسش این است که آیا می‌توان این ظرفیت و گنجینه ملی را برای مصارف امروزی و بهره‌برداری جهت تدوین یک الگوی کشورداری مدرن برای پاسخ دادن به نیازهای امروز جامعه و اداره کشور و حتی از آن مهمتر کنشگری سیاسی به سخن درآورد و استفاده کرد. با توجه به این نکات، کتاب تاریخ بیهقی را به‌عنوان یکی از آثار ارزنده حوزه سیاست‌نامه‌ای و با توجه به دو خصوصیت جامعیت و ماهیت عملگرا و برخاسته از متن وقایع بودن این اثر، برای تلاش و جستار نظری خود انتخاب شده است. بر این اساس پرسش این نوشتار عبارت است از

اینکه تاریخ بیهقی در حوزه سیاست و کشورداری چگونه می‌تواند به نحوی امروزی و به‌عنوان یک الگوی کشورداری پیشنهاد شود؟ و فرضیه آن است که با استخراج نکات نهفته در تاریخ بیهقی و به‌روزرسانی آنها به صورت گزاره‌ها، مقولات و مولفه‌های منعطف و عملگرا، می‌توان یک الگوی امروزی، در چارچوب سه حوزه بینش، گرایش و کنش کارگزاران سیاسی هریک با زیر مجموعه‌های مستقل را طراحی و پیشنهاد کرد.

چارچوب مفهومی: کشورداری

مباحث مدرن کشورداری از همان ابتدا حول کلید واژه توسعه و در معنایی جامع‌الاطراف با محوریت پیشرفت نضج گرفت. بعد از جنگ جهانی، مسئله توسعه به‌عنوان یکی از مهمترین مسائل به طور گسترده، در محافل نظری مختلف و در قالب مباحث مربوط به نحوه کشورداری و برنامه‌ریزی در کشورهای مختلف مطرح بوده است (موحدی، ۱۳۸۳: ۷). در تعریفی گسترده پیشرفت و توسعه جریانی است که در خود، تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد و این یعنی تغییرات گسترده در مفهوم کشورداری سنتی که تا پیش از این روند غالب به شمار می‌رفت. کشورداری شایسته، بهبود میزان تولید و درآمد را در بر دارد و بنا به تعریف شامل دگرگون‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی _ اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است (Kingsbury & Remenyi, 2004, 24-25). در چارچوب این تعریف کشورداری شایسته، بیانگر رابطه معنی‌دار میان دو مفهوم دولت و توسعه است و مفهومی خواهد بود که با هدف تغییر بنیادین در اساس اقتصادی جامعه، توانایی کافی برای تضمین میزان بالای رشد اقتصادی و ارتقای سطح زندگی مردم را دارد (رنانی، ۱۳۸۱: ۳۷۳). امروزه توافق گسترده‌ای وجود دارد که در کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه، بدون برنامه‌ریزی، این مهم تحقق نخواهد یافت. مسئولیت برنامه‌ریزی هم بر عهده دولت و کارگزاران دولتی و طبعا نحوه و چگونگی کشورداری آن است (جیروند، ۱۳۶۸: ۱۸۹-۱۸۷). این امر به معنای نقش هدایت‌گر و فرصت‌ساز دولت است و همزمان تأکیدی بر یافتن الگوهای مدرن و در عین حال بومی و برخاسته از متن تاریخی _ فرهنگی جامعه برای اداره شایسته کشور است.

سیاست‌نامه‌ها یا اندرزنامه‌های سیاسی، یکی از حوزه‌های مهم فکری محسوب می‌شوند که در تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام توجه بسیاری به آنها شده و آثار زیادی هم داشته‌اند (قادری، ۱۳۹۰). این نوشته‌ها که به اعتبار مشهورترین آنها "سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک" با عنوان *سیاست‌نامه*

معروف‌اند، رساله‌هایی با نام‌های گوناگون بودند که خطاب به فرمانروایان نوشته شده‌اند. اما این که این نوع ادبیات سیاسی از کدام حوزه فکری متأثر است، اختلاف نظر است. برخی سیاست‌نامه‌ها را ادامه اندیشه ایرانشهری در باب سیاست می‌دانند و به نوعی آن را بیان‌گر تلاش فکری ایرانیان برای کسب استقلال فکری به دنبال رسیدن به استقلال سیاسی تحلیل می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۹۶). برخی سیاست‌نامه را نه یک جریان مستقلی در برابر فقه و فلسفه سیاسی مسلمانان، بلکه جزئی از قلمرو فراخ فقه و فلسفه عملی و منضم به آن حوزه می‌بینند (فیرحی، ۱۳۸۲: ۷۵). یک تحلیل دیگر آن است که سیاست‌نامه‌نویسی در جهان اسلام در ادامه سنت اندرزنامه‌نویسی در اندیشه سیاسی ایرانیان قبل از اسلام است. غرض اصلی در سیاست‌نامه‌نویسی، توضیح روابط قدرت با هدف حفظ آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸۴). دیدگاه دیگری است که سیاست‌نامه‌ها را ذیل نظریه سلطنت اسلامی، تحلیل می‌کند و آن را شاخص اندیشه دوره میانه تاریخ اسلام می‌داند که سلطنت اسلامی رایج شد و تأکید می‌کند که مفردات سیاست‌نامه‌ها را نه از گذر اندیشه ایرانشهری، بلکه به اعتبار منظومه عقلائییت دوره میانه باید فهمید (فیرحی، ۱۳۸۲: ۸۴) و دیدگاه دیگر اینکه این آثار بر پایه تجارب سیاسی وزیران و رجال سیاسی به نگارش درآمده و تا حدود زیادی سیاست نظری و عملی را با هم در آمیخته است. در آنها تصریحاً یا تلویحاً از حاکمان خواسته شده که در آن کتاب‌ها چون آیینی بنگرند و رفتار و گفتار و کردار مندرج در آنها را به کار برند و در سلوک سیاسی خود راهنما قرار دهند (حلبی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۲). به هر تقدیر سیاست‌نامه‌ها به محور اخلاقیات در الگوی سه‌گانه نزدیک‌تر است و توصیه به زمامداران و اصلاح رفتار و ملکات اخلاقی آنان مرکز ثقل آن است (برزگر، ۱۳۹۳: ۱۵). از همین جا می‌توان به نکته دیگری اشاره کرد که آن هم دال بر تحول محتوای اندرزنامه در پرتو اندیشه‌های اسلامی است. شاه آرمانی به گفته طباطبایی، خود، عین قانون است، اما پادشاه در دوران اسلامی سرشتی ترکیبی دارد که از سویی برگزیده خداست و از سوی دیگر بایستی توجهی بر احکام شریعت داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۶۰) به هر حال، باید گفت که سیاست‌نامه‌نویسان عمدتاً وزرایی بودند که هم متأثر از اندیشه ایرانشهری و هم متصف به دانش اسلامی بودند. ذکر نکته‌ای حول تاریخ‌نگاری دوره اسلامی با توجه به محوریت تاریخ بیهقی، در این پژوهش در حوزه سیاست‌نامه‌نویسی لازم است. فرهنگ رجایی از جریان مستقلی با عنوان «شیوه تاریخی متعلق به مورخان» در کنار دیگر جریان‌های فکری چون سیاست‌نامه‌نویسی یاد کرده است (رجایی، ۱۳۸۴: ۹۰-۸۸). در این نوشتار برای اولین بار تاریخ بیهقی به‌عنوان یک اثر سیاست‌نامه‌ای در علم سیاست بازخوانی و ترویج می‌شود.

پیشینه پژوهش

در مورد تاریخ بیهقی پژوهش‌هایی تاکنون انجام شده است. به طور مثال می‌توان در دوران غزنوی با عنوان "سابقه دیوان اشراف و نمود آن در تاریخ بیهقی" اشاره کرد (جابری و زارع، ۱۳۸۸) که در جای خود اثری ارزنده در موضوعی منحصر به فرد است. همچنین می‌توان به مقاله "بی‌اعتمادی در دستگاه غزنوی و دلایل آن در تاریخ بیهقی" اشاره کرد که نمود الزامات و بایسته‌های کشورداری در حوزه کارگزاران سیاسی است و پتانسیل‌های منابع انسانی نظام سیاسی را وجه همت خود قرار داده است (صحرای و میرزایی مقدم، ۱۳۹۰). در میان پایان‌نامه‌های دانشگاهی نیز می‌توان به "جلوه‌های خردورزی در تاریخ بیهقی و قابوس‌نامه" اشاره کرد (عباس آبادی، ۱۳۹۳) که بحث کشورداری و نمود عنصر واقع‌گرایی سیاسی را در دو اثر سیاست‌نامه‌ای از جمله تاریخ بیهقی بررسی می‌کند. هیچ یک از این آثار علمی، در جهت ارائه یک الگوی کشورداری حول مفهوم کارگزاری سیاسی و منبعث از تاریخ بیهقی نبوده است.

روش تحقیق

برای اجرای این پژوهش از روش داده‌بنیاد یا گرند تئوری استفاده می‌کنیم. گلنیر و اشتراس این روش را برای نخستین بار در سال ۱۹۶۷ به جامعه علمی معرفی کردند. در واقع آنان با معرفی نظریه داده‌بنیاد، مفروضه‌های رایج تئوری بزرگ را به چالش کشیدند (Suddaby, 2006, 633-642). گلنیر بیان می‌دارد که برخلاف برخی روش‌های تشریحی مانند پیمایش و تحلیل محتوا که فقط به توصیف می‌پردازند، نظریه داده‌بنیاد اقدام به مفهوم‌سازی کرده و بر این روش‌ها برتری می‌یابد (Glaser, 2002, 23-38). در روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد، کشف یا تولید نظریه بر مبنای حقایق و واقعیت موجود و از طریق جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها و با مدنظر قرار دادن کلیه جوانب بالقوه مرتبط با موضوع تحقیق، صورت می‌گیرد. داده‌های جمع‌آوری شده سیر تکاملی خود را تا رسیدن به تئوری، در چارچوب مراحل طی می‌کنند. تحلیل داده‌هایی که به منظور تکوین نظریه گردآوری می‌شوند، با استفاده از «کدگذاری» انجام می‌شود. کدگذاری فرآیندی است که داده‌ها را با نظریه پیوند می‌دهد. کدگذاری از طریق شکستن داده‌ها، پژوهشگر را از سطح تجربی حرکت داده و با گروه‌بندی داده‌ها در کدهایی مشخص، زمینه تبدیل آنها به نظریه را فراهم می‌کند. (Glaser, 1978: 55). شکستن داده‌ها به محققان کمک می‌کند تا به عقب برگشته، عناصر نامتراکم را بررسی کرده و آنها را به گونه‌ای مفهوم‌سازی کنند که از یک موقعیت یا مصاحبه خاص که در آن قرار داشتند،

فراتر روند (locke, 2001: 42). پس ابتدا کدهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص می‌یابد. این کدها در قالب روندی تعیین می‌شوند که آن را «کدگذاری باز» می‌نامند. سپس پژوهش‌گر با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت آنها و یافتن پیوندهای میانشان به «کدگذاری محوری» اقدام می‌کند. در جریان این کدگذاری‌ها، پژوهشگر با استفاده از «نمونه‌گیری نظری» و با توجه به مقولات پدیدار شده از دل داده‌ها، به گردآوری داده‌ها می‌پردازد که تصویر غنی‌تری از مفاهیم و مقوله‌های حاصل، فراهم خواهند کرد. سرانجام، با «کدگذاری انتخابی» مقوله‌ها پالایش می‌شوند و با طی این فرآیندها در نهایت، چارچوبی نظری در قالب یک مفهوم داده‌بنیاد پدیدار می‌شود. (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۵۸). در منابعی که به معرفی و روش‌شناسی *گرنلد تئوری* پرداخته‌اند مدل‌سازی و نظریه‌پردازی را، مرحله آخر و دستاورد طبیعی مرحله کدگذاری انتخابی، دانسته‌اند که تجزیه و تحلیل پایانی به منظور تکوین نظریه، در این مرحله صورت می‌گیرد برای تئوری‌سازی، باید رابطه بین مولفه‌ها، با یکدیگر از یک سو و با مفهوم اصلی از سوی دیگر، معلوم شود و در عین حال، نوع روابط بین آنها مشخص گردد. تولید نظریه یک حادثه مکانیکی نیست که بتوان آن را طی مراحل خطی و جبری تعیین کرد. خبرگی، قدرت ابتکار و خلاقیت محقق است که به مدد وی می‌آید و روابط پنهان آنان را آشکار ساخته و موفق به خلق نظریه جدید می‌شود.

بررسی تاریخ بیهقی بر اساس روش داده‌بنیاد

در مطالعه‌ای اکتشافی تاریخ بیهقی با استفاده از روش "داده بنیاد" بررسی شد. پس از انجام مطالعات اکتشافی و بررسی متن تاریخ بیهقی، مجموعه‌ای از نکات استخراج شد. بر این اساس بیش از دویست عبارت استخراج شد و در مرحله بعد بر اساس روش شرح داده شده اقدام به کدگذاری باز این گزاره‌ها شد.

کدگذاری باز

در این مرحله عبارات در قالب چهل و چهار گزاره، در ابعاد مختلف کدگذاری شد که در ادامه در قالب جدول صفحه بعد از نظر می‌گذرد:

۲۲. تاکید بر تعهد در قبول مسئولیت و شناخت دقیق آن	۱. تعیین تنها یک فرد مسئول برای هر کار و منع سپردن چند کار به یک کارگزار
۲۳. رعایت سلسله مراتب در اعطای تشویق‌ها و مراسم	۲. شفافیت و روشن کردن حدود وظایف و اختیارات کارگزاران
۲۴. ذکر نام نیک صاحب‌منصبان و مسئولان قبلی	۳. در مذمت دورزدن سلسله مراتب سازمانی و بی‌حرمتی به کارگزاران از این طریق
۲۵. حفظ حرمت صاحب‌منصبان تا همگان وزیردستان حرمت او را نگه دارند	۴. بستن راه موازی‌کاری با انتخاب دقیق ارکان و سپس اعطای اختیارات لازم
۲۶. جلوگیری از رقابت معروفین و خواص سیاسی در برانداختن یکدیگر	۵. حفظ حرمت عناوین و القاب و عطایا
۲۷. در عین حفظ شئون مقام بالاتر خدمت دیگران و زیردستان را یاد کردن	۶. تاکید بر اهمیت کارگزاران با تجربه
۲۸. امکان نصیحت کردن بی‌حشمت و بدون پرده‌پوشی را فراهم کردن	۷. دوری از استبداد رای و نصیحت‌پذیر بودن
۲۹. تلاش در جهت یافتن کارگزاران شایسته	۸. متین سخن گفتن و حرمت کلام
۳۰. کارگزاران را با تکریم روانه محل مسئولیت کردن	۹. در مذمت پذیرش رشوه و ارتشا
۳۱. در مذمت بی‌مایگان را بر کشیدن که حق ناشناس خواهند بود	۱۰. حق‌شناسی نسبت به دیگر کارگزاران
۳۲. در کارها مجاملت و میانه‌روی کردن	۱۱. شرط داشتن تجربه و همخوانی تجربه با مسئولیت
۳۳. تاکید بر وفای به عهد	۱۲. لزوم سیرت نیکو برای کارگزاران و صاحب‌منصبان به عنوان بستر شایستگی
۳۴. حرمت کارگزاران و فن سالاران با تجربه را نگه داشتن	۱۳. نظرسنجی و افکارسنجی در تشخیص صواب و ناصواب رای‌ها
۳۵. قویدل کردن کارگزاران و زیردستان	۱۴. تشویق مامورین و کارگزاران قبل از اعزام
۳۶. پایش مداوم افعال و حالات کارگزاران	۱۵. پایش مداوم کارگزارانی که مورد بازخواست و یا تنبیه قرار گرفته‌اند
۳۷. در صورت وارد آمدن اتهامی فرصت و امکان دفاع را منظور داشتن	۱۶. تاکید بر تشخیص و شئون سیاسی در بعد فردی و سازمانی برای کارگزار سیاسی
۳۸. تاکید بر کسب آموزش و تجربه	۱۷. تاکید بر اهمیت و لزوم حرمت نهادن به برکشیدگان
۳۹. حرمت فروافتادگان را در نظر داشتن	۱۸. مراقبت در دادن وعده‌ها
۴۰. جلوگیری از ظلم و تعدی کارگزاران	۱۹. تاکید بر داشتن سابقه روشن و براءت یافتن

از اتهامات، قبل از اعطای مناصب	۴۱. احترام به سنن دیرپای ملک‌داری
۲۰. خدمتگذاران دیر بدست آمده را نگه داشتن و نه به ظن هر اتهامی فرونذاختن	۴۲. در مذمت چشم‌داشت به ثروت زیردستان
۲۱. مدیریت نورسیدگان و تازه به دوران رسیدگان به قدرت	۴۳. برخورد با کسانی که اقدام به دسیسه‌چینی برای دیگر کارگزاران می‌کنند.
	۴۴. حرمت مقام انسانی کارگزاران را در نظر داشتن

اما قبل از ادامه بحث، لازم است تا برای آشنایی بیشتر خواننده با گزاره‌های استخراجی و ماهیت سیاسی و تجویزی آنها، به چند نمونه از این گزاره‌ها اشاره شود. با توجه به محدودیت حجم مقاله، فقط به دو گزاره اولی در جدول فوق پرداخته شده و به همراه شواهد متنی مرتبط و مستخرج از تاریخ بیهقی، آنها را معرفی کرده و از منظری مدرن و امروزی بررسی می‌شوند.

تعیین تنها یک فرد مسئول برای هر کار و منع سپردن چند کار به یک کارگزار

این مطلب، یکی از گزاره‌های کنشی که در حوزه عملکرد کارگزار سیاسی، از درون متن استخراج می‌شود. در واقع و از منظری تطبیقی با شرایط مدرن و آنچه که با عنوان بروکراسی دولتی نامیده می‌شود، می‌توان این گزاره را در حوزه مدیران دولتی امروز جامعه به‌راحتی برجسته‌سازی کرد. در واقع این گزاره در بافتار دستگاه اداری - سیاسی یا سیستم بروکراسی سیاسی به نقش‌آفرینی می‌پردازد و لزوم توجه به آن به صورت هشدارهایی در بحث مدیران دوشغله و چندشغله، در طی سال‌های اخیر خودنمایی کرده و حتی در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز نمود داشته است. این مسئله نیز در اثر بیهقی وجود داشته است و او به اشکال مختلف و در عین حال به کرات در بازگو کردن مذاکرات مربوط به اعطای پست و مسئولیت سیاسی به کارگزاران، این نکته را به‌عنوان روش جاری ساخت سیاسی دولت غزنوی در تاریخ خود درج نموده است. او در بحث تک‌شغله بودن ارکان سیاسی دولت غزنوی یا در اصطلاح امروزی مدیران دولتی به کرات نمونه‌هایی را ذکر می‌کند.

«چون از نشاندن بوسهل زوزنی فارغ شدند، امیر مسعود، رضی الله عنه، با خواجه احمد حسن وزیر خلوت کرد به حدیث دیوان عرض که کدام کس را فرموده آید تا این شغل را اندیشه دارد؟ [یعنی پس از عزل بوسهل زوزنی سلطان با وزیر خود مشورت کرد که چه کسی را به

ریاست دیوان عرض منصوب نماید که این دیوان وظیفه ارائه مکاتبات و مراسلات اداری و درخواست‌های کارگزاران سیاسی از پایتخت و حوزه مرکز را دارد^۱ [خواجه گفت: ازین قوم بوسهل حمدوی شایسته‌تر است. امیر گفت: وی را اشراف مملکت فرموده‌ایم و آن مهمترست و چنو دیگری نداری، کسی دیگر باید [سلطان گفت که بوسهل حمدوی را به ریاست سیستم بازرسی و اطلاعاتی منصوب کرده است که پست مهمتری است و کس دیگری به لیاقت او برای این کار وجود ندارد و باید کس دیگری را برای شغل دیوان عرض پیشنهاد داد زیرا نباید به یک فرد، به طور همزمان دو یا چند مسئولیت واگذار شود]» (تاریخ بیهقی، ج ۲: ۴۷۵).

شاهد آنکه سلطان حاضر نمی‌شود با حفظ سمت، بوسهل حمدوی را به شغل دیگری بگمارد و در واقع به او دو شغل دهد. در مورد سایر پست‌های سیاسی نیز به همین شکل است و سلطان مسعود هرگز به یک کارگزار بیش از یک مسئولیت و مقام و منصب سیاسی اعطا نمی‌کند. این امر، در تاریخ بیهقی به کرات آورده شده است. در نمونه دیگری از منع به کارگیری چند شغله‌ها، بیهقی در بحث انتخاب جانشین وزیر متوفی سلطان مسعود و پس از اینکه بونصر مشکان افراد شایسته برای این سمت را به ترتیب معرفی کرده و اسمشان را می‌برد، از قول سلطان مسعود می‌نویسد:

«امیر بونصر را گفت: بوالحسن سیاری صاحب دیوانی ری و جبال دارد و آن کار بدو نظامی گرفته است [یعنی او مسئولیتی دارد و به خوبی از عهده مسئولیت برآمده است و لذا شغل دیگری به او نمی‌دهد] و بوسهل حمدوی به ری خواهد رفت که از طاهر دبیر جز شراب خوردن و رعونت دیگر کاری برنیاید [یعنی بوسهل حمدوی هم که در نمونه بالا ذکرش شد به عنوان مسئول بازرسی و اطلاعات مامور خدمت به ری شده است چرا که فرماندار آنجا جز شراب خوردن و زن باره‌گی کار دیگری انجام نمی‌دهد و باید به امور آنجا رسیدگی شود لذا به او هم همزمان شغل دیگری داده نمی‌شود] و طاهر مستوفی دیوان استیفا را بکار است [طاهر نامی هم برای بحث دیوان محاسبات مناسب است و شغل دیگری برای او در نظر نمی‌گیرد] و بوالحسن عقیلی مجلس ما را [و عقیلی نیز از مشاوران دربار و از حاضران مجلس سلطان است و شغل دیگری هم همزمان به وی داده نمی‌شود]؛ و چنانکه سلطان بآخر دیده بود [یعنی چنانکه پدرم سلطان محمود نیز در اواخر عمر خود مناسب دیده بود] دلم بر احمد عبد الصمد قرار می‌گیرد که برکنار است و دبیری و شمار و معاملات نیکو داند و مردی هوشیار است. بونصر گفت: سخت

۱. توضیحات داخل کروشه توضیحات بیشتری است که توسط نویسندگان ارائه شده است.

نیکو اندیشیده است» (تاریخ بیهقی، جلد ۲: ۵۰۴).

در این مورد به عمد شاهدی مثال آورده شد که در آن نام چند کارگزار سیاسی مطرح می‌شود که در طی آن به وضوح مسئولیت فعلی آنها یادآوری می‌شود و به همین دلیل سلطان از دادن پستی دیگر و همزمان به آنان خودداری می‌کند. همانطور که گفته شد، این گزاره‌ای است که تقریباً به ذهن آن در بافتار مدرن ساختار اداری و سیاسی کشور نیز امری چندان مشکل نیست. بحث مدیران چند شغله به‌عنوان یک معضل نیز تذکر داده شده است.

شفافیت و روشن کردن حدود وظایف و اختیارات کارگزاران

یکی دیگر از گزاره‌های پرتعداد در تاریخ بیهقی روشن کردن حدود اختیارات و شفافیت کارگزاران در حوزه وظایف است. در قالب ادبیات امروزی، رابطه میان رئیس و مرئوس و یا حاکم و سلطان و کارگزاران سلطانی و چاکران آستان در قالب ادبیات سیاست‌نامه‌ای است. در واقع نکته عملگرایی این گزاره این است که در زمان اعطای هر مسئولیت یا مقامی، دو طرف این رابطه الزامات آن مسئولیت را به یکدیگر گوشزد می‌کنند و در عین حال کسی که این مسئولیت را قبول کرده است (در ادبیات اسلامی این امانت را عهده‌دار شده است) شرایط خود را در اجرای مسئولیت، ذکر کرده و اختیارات لازم در جهت ایفای هر چه بهتر مسئولیت خود را تقاضا و دریافت می‌نماید و از سوی دیگر شخص حاکم و یا رئیس و مسئولی که این مقام و منصب را به کارگزار خود سپرده است، به نوعی با او اتمام حجت می‌نماید. این امر و در واقع این اتمام حجت از دیرباز در اصول کشورداری مطرح بوده است و نمونه‌های آن را می‌توان در بسیاری از آثار سیاست‌نامه‌ای و حتی دینی و عقیدتی مثلاً در نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین و در نامه‌های ایشان به کارگزاران خود و گرفتن پیمان از آنها، قبل از اعزام به محل مأموریت ملاحظه کرد که یکی از مهمترین این فرازها در نامه حضرت به مالک اشتر است هنگامی که او را جهت تصدی فرمانداری مصر برگزید. در جای‌جای تاریخ بیهقی نیز این تعامل میان کارگزاران و سلطان را به‌عنوان اتمام حجتی جهت اجرای دقیق مسئولیت و انجام شدن کار به نحو احسن، مشاهده می‌شود که با عنوان نوشتن مواضعه [قرارداد]، در ادبیات سیاست‌نامه‌ای نامیده می‌شود.

متأسفانه امروزه این امر در روال اداری کشورمان نادیده گرفته می‌شود. کسی که پست و مقامی را دریافت می‌کند در شوق و ذوق عنوان مدیر کلی یا معاونت یا هر چیز دیگری است و مقام بالاتر نیز به نوعی شاد از اینکه بخشی از مسئولیتش را از گردن خود باز کرده است و اکنون

کسی را آماده برای شمامت و قربانی دارد. اما از منظر اجرای هر چه بهتر کار، قدمای ما بر این گزاره تاکید خاصی داشتند و بدین وسیله هم به نوعی دقایق و ظرایف مسئولیت و منصب اعطایی مورد توجه، مرور و تاکید قرار می‌گرفت. بیهقی بر این گزاره تاکید ویژه‌ای دارد و در موارد متعددی بر آن تاکید می‌ورزد و ضمن پرهیز از پرداختن به جزئیات و تطویل متن اهمیت این گزاره را هم از منظر سلطان مسعود و هم از منظر کارگزاران دیگر یعنی وزرا و دبیران ساخت سیاسی دولت غزنوی مورد تاکید قرار می‌دهد با این عنوان که هر دو طرف تنها زمانی مسئولیت را اعطا و یا قبول می‌کنند که شرایط این مواضعه [قرارداد] نه تنها به صورت شفاهی که به صورت کتبی درج، امضا (گاهی در مسئولیت‌های بسیار حساس با قید سوگند) و در بایگانی سلطنتی ثبت و ضبط شود.

به طور مثال بیهقی در مورد انتصاب وزیر اعظم؛ مکالمه میان بونصر مشکان دبیر سلطان مسعود و شخص سلطان مسعود را به شرح زیر بازتاب می‌دهد:

«و من [بونصر مشکان] نزدیک امیر رفتم؛ گفت: خواجه [خواجه احمد حسن نامزد وزارت سلطان مسعود] چه خواهد نشست؟ گفتم: رسم رفته است [یعنی این یک سنت قدیمی ملک داری است] که چون وزارت به محتشمی دهند، آن وزیر مواضعه‌یی نویسد و شرایط شغل خویش بخواهد [یعنی شرایط و اختیارات لازم جهت انجام آن شغل و مسئولیت را درخواست کند] و آن را خداوند بخطّ خویش جواب نویسد [یعنی سلطان به خطّ خودش پاراف و تائید کند]، پس از جواب توفیق [امضاء و مهر] کند و بآخر آن ایزد، عزّ ذکره را یاد کند که وزیر را بر آن نگاه دارد؛ و سوگندنامه‌یی باشد با شرایط تمام که وزیر آن را بر زبان راند و خطّ خویش زیر آن نویسد و گواه گیرد که بر حکم آن کار کند. گفت: پس نسخه‌ی [نسخه] آنچه ما را بیاورد نشست در جواب مواضعه، بیاورد [آماده باید کرد] و نسخه‌ی سوگندنامه [همین طور نسخه مربوط به سوگندنامه نیز آماده شود] تا فردا این شغل تمام کرده آید و پس فردا خلعت بپوشد که همه کارها موقوف [متوقف] است. گفتم: چنین کنم؛ و باز گفتم و این نسخه‌ها [نسخه‌ها] کرده آمد؛ و نماز دیگر خالی کرد امیر و بر همه واقف گشت و خوشش آمد» (تاریخ بیهقی، ج ۱: ۲۰۲).

بیهقی در اشاره‌ای دیگر به اعطای فرمان سپاه سالاری به شخصی به نام احمد از سرداران سلطان می‌نویسد:

و دیگر روز بدرگاه آمد و امیر با خواجه بزرگ [وزیر سلطان] و خواجه بونصر صاحب دیوان رسالت [دیوان انشاء و دبیری سلطان] خالی کرد و احمد را بخواندند و مثال‌ها از لفظ عالی بشنود

[یعنی دستورات شفاهی سلطان را شنید] و از آنجا بطارم آمدند و این سه تن خالی بنشستند و منشور و مواضعه و جواب‌ها نبشته [یعنی شرایط درخواستی برای انجام مسئولیت را مکتوب کردند] و هر دو بتوقیع مؤکد شده [امضاء شد] با احمد ببردند و نسخت سوگندنامه پیش آوردند و وی سوگند بخورد، چنانکه رسم است [مجددا تاکید بر این که این کار امری کاملا مرسوم و در بروکراسی اداری کاملا جا افتاده بوده است] و خط خود بر آن نبشت و بر امیر عرضه کردند و بدوات دار سپرد [یعنی به بایگانی سپرده شد] و خواجه وی را گفت...، ترا که سالاری باید که بحکم مواضعه و جواب کار میکنی [یعنی باید طبق تعهدات و اختیاراتی که در یافت کرده‌ای مسئولیت خود را انجام دهی]» (تاریخ بیهقی، ج ۲: ۴۱۸).

نوشتن این گونه مواضعه‌نامه‌ها یا در اصطلاح امروزی روشن کردن حدود وظایف و اختیارات، تنها در بحث وزارت و سالاری سپاه نیست و برای مناصب پائین تر نیز لحاظ می‌شود. به طور مثال در هنگام انتصاب بوسهل روزنی به دیوان استیفا (دیوان محاسبات) با توجه به مشکلات پیش آمده و عدم اجرای صحیح امور که بوسهل بدان اشاره می‌کند و می‌گوید آن طور که شنیده؛ در اصطلاح این شغل خلق گونه شده و در واقع کارایی و اهمیت خود را از دست داده و تبدیل به امری تشریفاتی شده است و در واقع به زبان امروزی نیازمند یک مدیر قوی و لایق برای بازگرداندن وجاهت و کارایی آن است و نیز بر همین بحث مواضعه و درخواست اختیارات و روشن شدن حدود وظایف و اختیارات تاکید می‌شود. بیهقی می‌نویسد:

«بوسهل زمین بوسه داد و گفت: اختیار بنده آن بود که بر درگاه عالی خدمتی می‌کند، اما بندگان را اختیار نرسد، فرمان خداوند را باشد؛ اگر رأی خداوند بیند تا بنده با خواجه و بونصر بنشیند و آنچه داند درین باب بگوید و مواضعه نیبسد و آنچه درخواستنی است در خواهد [یعنی من ترجیح می‌دادم که در شغل قبلی خودم باشم ولی اختیار با سلطان است و حالا که سلطان تصمیم گرفته‌اند لاجرم اجازه دهند تا شرایط و اختیارات لازم جهت انجام مسئولیت را نوشته و به صورت مکتوب درخواست نمایم] که چنانکه بنده شنود، آن شغل خلق گونه شده [اهمیت خود را از دست داده و بازیچه شده] است تا بر قاعده درست رود امیر گفت: صواب چنین باشد. هر سه تن خالی بنشستند و همچنان کردند و سخت دیر سخن رفت و آنچه گفتنی و نهادنی بود نهادند و بگفتند و پراگندند» (تاریخ بیهقی، جلد ۲: ۶۱۷).

شواهدی که در اینجا ارائه شد و شواهد بسیاری که در این زمینه می‌توان از تاریخ بیهقی استخراج نمود، بر اهمیت این سنت مواضعه‌نویسی یا روشن کردن حدود وظایف و اختیارات

تاکید می‌ورزد که امروزه و در سازمان سیاسی و بروکراتیک ما شاید به نوعی مغفول و مهجور مانده است و شاید در بهترین حالت بتوان نمود کم‌رنگی از آن را تنها در سطوح بسیار کلان سیاسی و آنهم مراسمات رسمی تحلیف و در مسئولیت‌هایی نظیر ریاست جمهوری و وکالت مجلس که قانون اساسی نکات و تشریفات را در این زمینه پیش‌بینی کرده است، بازیابی کرد. در حالی که بزرگان و پیشینیان ما بر این دقایق تاکید می‌ورزیدند و حتی پیشوای معصومی چون امیرالمومنین علی (ع) در برابر کارگزار شایسته‌ای چون مالک اشتر باز هم از مزایای این خرد ناب و عملگرایی سیاسی پر نکته چشم نمی‌پوشد.

اکنون پس از ذکر این دو نمونه که به جهت آشنایی هر چه بیشتر خواننده با مرحله اول فرآیند تحقیق ارائه شد (مرحله‌ای که در طی آن نکات مستتر در متن تاریخ بیهقی به صورت گزاره‌هایی استخراج و به صورت باز؛ مورد کدگذاری قرار گرفت)، وارد فاز دوم تحقیق که مرحله کدگذاری محوری و تجمیع این گزاره‌ها در قالب مقولات متمرکز و گزیده‌تر است می‌شویم.

کدگذاری محوری

در این مرحله گزاره‌های چهل و چهارگانه باز و پیشین به شکلی ترکیبی، منسجم‌تر و در عین حال گزیده‌تر، به صورت پانزده مقوله خود را نمایان می‌سازند. در این مرحله محورهای اصلی بتدریج مشخص شده و در ادامه کدگذاری‌های نهایی حول این مقولات و محورها انجام خواهد شد.

۱. عدالت‌ورزی	۹. تاکید بر شایستگی
۲. پاکدستی	۱۰. اهمیت مشورت
۳. وفای به عهد	۱۱. شفافیت در وظایف
۴. کرامت کارگزاران	۱۲. احترام به سنن
۵. حرمت کارگزاران	۱۳. رعایت شئونات سیاسی
۶. حق‌شناسی	۱۴. نفی تعلقات گروهی
۷. ادبیات شایسته	۱۵. پایش کارگزاران
۸. تاکید بر تجربه	

کدگذاری انتخابی: یافتن ارتباطات میان مقوله‌ها و زاده شدن دانش داده‌بنیاد

پس از بررسی ارتباطات میان مقولات، این مقوله‌ها (با توجه به ماهیت آنها) مورد کدگذاری واقع شدند. در این مرحله دانش داده‌بنیاد؛ نحوه کشورداری مطلوب در تاریخ بیهقی، در سه سبد بینش، گرایش و کنش کارگزاران سیاسی ساماندهی می‌شود. هشت مولفه مختلف شناسایی می‌شود. عدالت و شرافت برای حوزه بینش کارگزاران سیاسی (که از درون مقولاتی نظیر عدالت‌ورزی برای مولفه عدالت و پاک‌دستی و وفای به عهد برای مولفه شرافت استخراج گشته است)، تکریم و تحییب در حوزه گرایش کارگزاران سیاسی (که از درون مقولاتی نظیر کرامت برای مولفه تکریم و حرمت انسانی کارگزار سیاسی، حق‌شناسی و ادبیات شایسته نسبت به کارگزار سیاسی برای مولفه تحییب استخراج شده است) و انتخاب، عملکرد، پرستیژ و نظارت برای حوزه کنش کارگزاران سیاسی (که از درون مقولاتی نظیر تاکید بر داشتن تجربه و شایستگی برای اعطای مناصب برای مولفه انتخاب، تاکید بر تشریک مساعی و شفافیت در حدود وظایف و اختیارات برای مولفه عملکرد، احترام به سنن ملک‌داری و رعایت شئونات سیاسی برای مولفه پرستیژ و سرانجام مذمت تعلقات گروهی و پایش کارگزاران سیاسی برای مولفه نظارت استخراج گشته است)

حوزه بینش کارگزاران سیاسی		
۱. کدگذاری باز	۲. کدگذاری محوری	۳. کدگذاری انتخابی
گزاره‌ها	مقولات	دانش داده‌بنیاد
<ul style="list-style-type: none"> • جلوگیری از ظلم و تعدی کارگزاران • در مذمت چشم‌داشت به ثروت زبردستان • در مذمت پذیرش رشوه و ارتشا • تاکید بر وفای به عهد • مراقبت در دادن وعده‌ها 	۱. عدالت‌ورزی ۲. پاک‌دستی ۳. وفای به عهد	عدالت شرافت

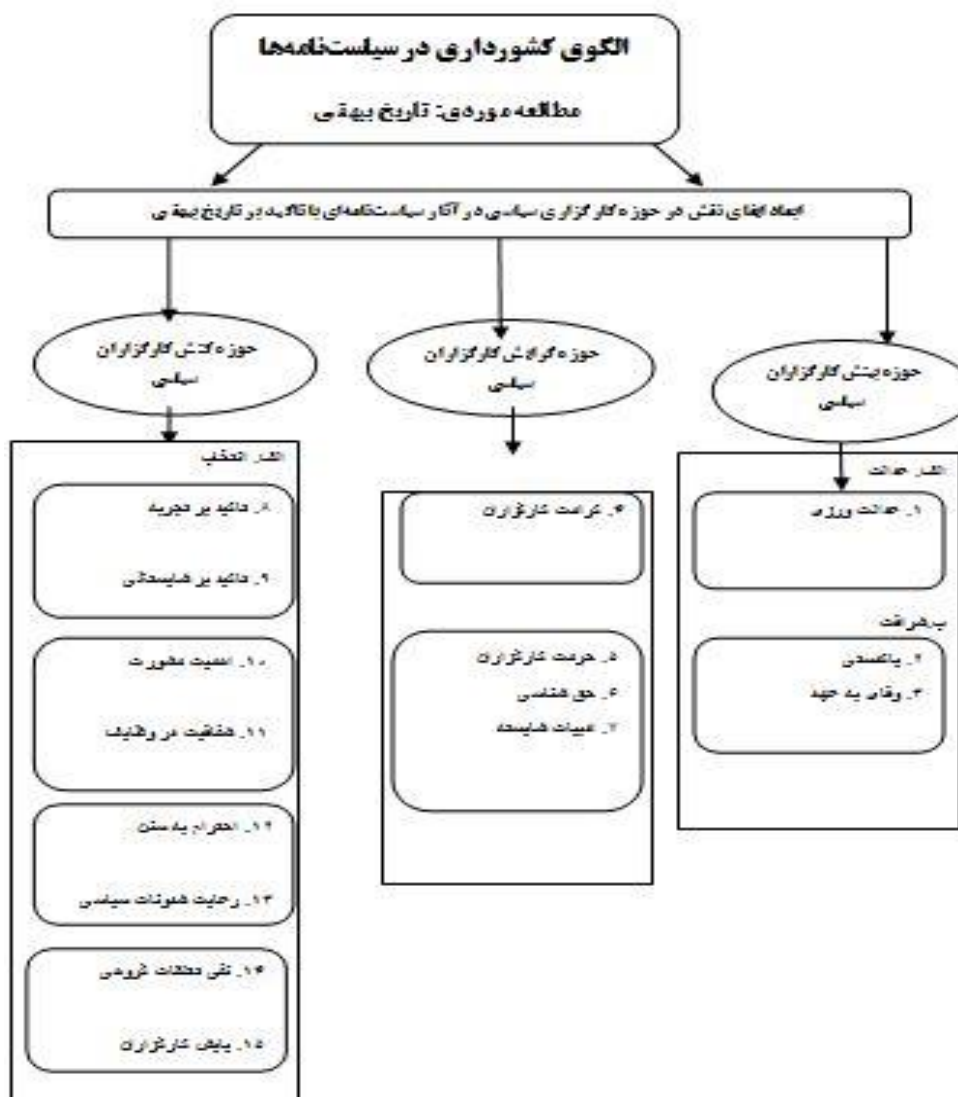
حوزه گرایش کارگزاران سیاسی		
۱. کدگذاری باز	۲. کدگذاری محوری	۳. کدگذاری انتخابی
گزاره‌ها	مقولات	دانش داده بنیاد
<ul style="list-style-type: none"> • تشویق ماموران و کارگزاران قبل از اعزام • کارگزاران را با تکریم روانه محل مسئولیت کردن • قوی دل کردن کارگزاران و زیر دستان • رعایت سلسله مراتب در اعطای تشویق‌ها و مراسم • درعین حفظ شئون مقام بالاتر خدمت دیگران و زیردستان را یاد کردن • حرمت فرو افتادگان را در نظر داشتن • حرمت مقام انسانی کارگزاران را در نظر داشتن • حرمت کارگزاران و فن سالاران با تجربه رانگه داشتن • ذکر نام نیک صاحب منصبان و مسئولان قبلی • تاکید بر اهمیت و لزوم حرمت نهادن به برکشیده گان • در مذمت دورزدن سلسله مراتب سازمانی و بی حرمتی به کارگزاران از این طریق • حفظ حرمت صاحب منصبان تا همگنان و زیردستان حرمت او را نگه دارند • حق شناسی نسبت به دیگر کارگزاران • در مذمت بی‌مایگان را بر کشیدن که حق ناشناس خواهند بود • متین سخن گفتن و حرمت کلام 	<p>۴. کرامت کارگزاران</p> <p>۵. حرمت کارگزاران</p> <p>۶. حق شناسی</p> <p>۷. ادبیات شایسته</p>	<p>تکریم</p> <p>تحبیب</p>

حوزه کنش کارگزاران سیاسی		
۱. کدگذاری باز	۲. کدگذاری محوری	۳. کدگذاری انتخابی
گزاره‌ها	مقولات	دانش داده بنیاد
<ul style="list-style-type: none"> • تاکید بر کسب آموزش و تجربه • شرط داشتن تجربه و همخوانی تجربه با مسئولیت • تاکید بر اهمیت کارگزاران با تجربه • تلاش در جهت یافتن کارگزاران شایسته • تاکید بر تعهد در قبول مسئولیت و شناخت دقیق آن • لزوم سیرت نیکو برای کارگزاران و صاحب منصبان به عنوان بستر شایستگی • تاکید برداشتن سابقه روشن و برائت یافتن از اتهامات، قبل از اعطای مناصب • دوری از استبداد رای و نصیحت‌پذیر بودن • امکان نصیحت کردن بی حشمت و بدون پرده‌پوشی را فراهم کردن • نظرسنجی و افکارسنجی در تشخیص صواب و ناصواب رای‌ها • در کارها مجاملت و میانه‌روی کردن • تعیین تنه‌ایک فردمسئول برای هر کارو • منع سپردن چند کار به یک کارگزار • شفافیت و روشن کردن حدود وظایف و اختیارات کارگزاران • بستن راه موازی کاری با انتخاب دقیق 	<ul style="list-style-type: none"> ۸. تاکید بر تجربه ۹. تاکید بر شایستگی ۱۰. اهمیت مشورت ۱۱. شفافیت در وظایف ۱۲. احترام به سنن 	<ul style="list-style-type: none"> انتخاب عملکرد

پرستیز	۱۳. رعایت شئونات سیاسی	<p>ارکان و سپس اعطای اختیارات لازم</p> <ul style="list-style-type: none"> • حفظ حرمت عناوین و القاب و عطایا • احترام به سنن دیرپای ملک‌داری • تاکید بر تشخیص و شئون سیاسی در بعد فردی و سازمانی برای کارگزار سیاسی
نظارت	۱۴. نفی تعلقات گروهی	<ul style="list-style-type: none"> • جلوگیری از رقابت معروفین و خواص سیاسی در برانداختن یکدیگر • خدمتگذاران دیربدمست آمده رانگه داشتن ونه به ظن هر اتهامی فرو انداختن • در صورت وارد آمدن اتهامی فرصت و امکان دفاع را منظور داشتن • مدیریت نورسیدگان و تازه به دوران رسیدگان به قدرت • برخورد با کسانی که اقدام به دسیسه‌چینی برای دیگر کارگزاران می‌کنند.
	۱۵. پایش کارگزاران	<ul style="list-style-type: none"> • پایش مداوم افعال و حالات کارگزاران • پایش مداوم کارگزارانی که بازخواست و یا تنبیه شده‌اند

نتیجه‌گیری

مرحله نهایی و در واقع نتیجه تحقیق ارائه یک مدل مفهومی و الگوی کشورداری مستخرج از متن تاریخ بیهقی است. این الگو در نمودار صفحه بعد آمده است. بر اساس روش داده بنیاد ابتدا به استخراج چهل و چهار گزاره در مرحله کدگذاری باز و سپس پانزده مقوله در مرحله کدگذاری محوری اقدام و در نهایت به هشت مولفه در قالب کدگذاری انتخابی در سه حوزه بینش، گرایش و کنش کارگزاران سیاسی دست یافتیم که الگوی یاد شده نیز به عنوان بخشی از یافته‌های تحقیق، بر اساس آن طراحی شده است. این الگو مجموع یافته‌های تحقیق را به شکلی امروزی (در عین تفکیک هر یک از مقولات و مولفه‌ها) نشان می‌دهد که در نهایت همه این اجزا در سطح کلان و مفهومی، دانش داده‌بنیاد الگوی کشورداری در تاریخ بیهقی را بدست می‌دهد. تقسیم‌بندی سه‌گانه بینشی، گرایشی و کنشی در چارچوب برداشت عام و مورد توافقی است که حول کارگزار سیاسی شکل گرفته است و رفتار کارگزاران سیاسی را در سه وجه اعتقادات یا الزامات بینشی، اخلاقیات یا الزامات گرایشی و عمل سیاسی یا الزامات کنش سیاسی دسته‌بندی می‌کند و از سوی دیگر الزامات کشگری و کارگزاری سیاسی در نظام سیاسی مبتنی بر شاخصه‌های دینی نظیر جمهوری اسلامی را نمایندگی می‌کند که بخشی دیگر از یافته‌های این تحقیق را تشکیل می‌دهد و این خود امری قابل توجه است. یادآوری این مطلب ضروری است که یافته‌های این پژوهش تلاشی مقدماتی است برای فراهم آوردن بخشی از مصالح نظری لازم برای مفهوم بنیادین و کلان توسعه جامع سیاسی در قالب تدوین یک الگوی بومی، حول مبحث کشورداری و زمامداری مطلوب و شایسته و با محوریت کارگزاران سیاسی که می‌تواند از سوی سایر محققان پیگیری شود، همان‌سان که توصیه می‌شود به تاریخ بیهقی به عنوان یک اثر "سیاست‌نامه‌نویسی" توجه و کارهایی تکمیلی در این باب انجام شود.



منابع

الف- فارسی

- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت، (۱۳۷۸)، *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های منابعی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۹)، «ساختار فهم اندیشه سیاسی در اسلام»، *دانش سیاسی*، پاییز و زمستان، سال ششم، شماره ۲.
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۹۳)، *آزادی در الگوی سه‌گانه*، تهران: مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، (۱۳۹۰)، *تاریخ بیهقی*، به کوشش خلیل خطیب رهبر: با معنی واژه‌ها و شرح بیت‌ها و جمله‌های دشوار و امثال و حکم و برخی نکته‌های دستوری و ادبی، جلد ۱، ۲ و ۳، چاپ پانزدهم، تهران: مهتاب.
- پیرنیا، حسن، (۱۳۹۲)، *ایران باستان*، چاپ سوم، تهران: انتشارات دبیر.
- ترکمنی آذر، پروین، (۱۳۸۸)، «تأملی بر آداب ملوک و قاعده‌ملکداری در نگاه افضل الدین کرمان»، *مجله فرهنگ: ویژه تاریخ*، پاییز، شماره ۷۱.
- تفضلی، احمد و آموزگار، ژاله، (۱۳۷۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: انتشارات سخن.
- جابری، صدیقه و زارع، سمیه، (۱۳۸۸)، «سابقه دیوان اشراف و نمود آن در تاریخ بیهقی»، *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی شیراز*، پاییز و زمستان، سال چهارم، شماره ۱۴ و ۱۵.
- جیروند، عبدالله، (۱۳۶۸)، *توسعه اقتصادی: مجموعه عقاید*، چاپ دوم، تهران: انتشارات مولوی.
- حلبی، علی اصغر، (۱۳۸۸)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام*، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- رجایی، فرهنگ، (۱۳۸۴)، «درآمدی نظری در باب افکار سیاسی و اجتماعی ایران در سده چهاردهم هجری شمسی»، *مجله تحقیقات تاریخی*، شماره ۸.
- رنانی، محسن، (۱۳۸۱)، *ماهیت و ساختار دولت در ایران*، در *نقش دولت در اقتصاد: مجموعه مقالات*، به کوشش سعید فراهانی فرد، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شرفی، محبوبه، (۱۳۹۰)، «اندرزنامه نویسی سیاسی در عصر ایلخانی»، *مطالعات تاریخ*

- اسلام، پاییز، سال سوم، شماره ۱۰.
- عباس آبادی، زهرا، (۱۳۹۳)، جلوه‌های خردورزی در تاریخ بیهقی و قابوس‌نامه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- صحرائی، قاسم و میرزایی مقدم، مریم، (۱۳۹۰)، «بی اعتمادی در دستگاه غزنوی و دلایل آن در تاریخ بیهقی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره جدید، پاییز، سال سوم، شماره ۳.
- طباطبایی، جواد، (۱۳۷۴)، *ابن خلدون و علوم اجتماعی*، تهران: طرح نو.
- طباطبایی، جواد، (۱۳۸۲)، *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط در ایران*، تهران: مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- طباطبایی، جواد، (۱۳۸۳)، *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*، چاپ دوم، تهران: کویر.
- فیرحی، داوود، (۱۳۸۲)، *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران: نشرنی.
- قادری، حاتم، (۱۳۹۰)، *اندیشه سیاسی در اسلام و ایران*، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- مشتاق مهر، رحمان، (۱۳۸۵)، «حکمرانی آرمانی ایرانیان در اندرزنامه‌های جاویدان خرد»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، بهار و تابستان، شماره ۶.
- موحدی، مسعود، (۱۳۸۳)، «تعیین ویژگی‌های فرهنگ ملی - اسلامی»، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی.

ب- انگلیسی

- Glaser, B. G, (1978), *Theoretical Sensitivity: Advances in the Methodology of Grounded Theory*, Mill Valley, CA: The Sociology Press.
- Glaser, B. G, (2002), "Conceptualization: On Theory and Theorizing Using Grounded Theory", *International Journal of Qualitative Methods*, Vol. 1, No. 2.
- Kingsbury, Damien, Joe Remenyi, John Mckay and Janet Hunt, (2004), *Key Issues in Development*, NY, USA: Palgrave.
- Locke, K. D, (2001), *Grounded Theory in Management Research*, London, UK: Sage Publications.
- Suddaby, R, (2006), "What Grounded Theory is not", *Academy of Management Journal*, Vol. 49, No. 4.

